

نقش عوامل خارجی در مشروطه‌خواهی افغانستان

محمد شریف ادیب‌ابراهیمی^۱

عباس سرافرازی^۲

مهدی صلاح^۳

چکیده

جنبش مشروطه‌خواهی نقطه عطفی در تاریخ معاصر افغانستان است. این جنبش فراز و فرودهای فراوانی را تجربه کرد و در هر دوره به گونه‌ای با شکست روبه‌رو شد. امیر حبیب‌الله‌خان با تأسیس «لیسه حبیبیه»، زمینه فعالیت‌های سیاسی روشنفکران و مشروطه‌خواهان را فراهم ساخته بود. «لیسه حبیبیه» به عنوان یکی از مراکز مهم و عمده اصلاح‌طلبی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی و مشروطه‌خواهی، به بستری برای فعالیت‌های سیاسی تبدیل شد که معلمان داخلی و خارجی در آن مشغول تدریس شدند. جنبش مشروطه‌خواهی متأثر از ایده اصلاحی سیدجمال‌الدین و الهام‌یافته از عوامل خارجی، تحولات جهانی و منطقه‌ای بود که روشنفکران، آزادی‌خواهان و مشروطه‌خواهان برای تحقق آن تلاش می‌کردند. مشروطه‌خواهان برای رهایی از وابستگی دولت‌های استعماری، استبداد داخلی و اصلاح ساختار سیاسی و برقراری نظام سلطنتی مشروطه به مبارزه پرداختند. این مقاله تلاش دارد با استفاده از متون تاریخی به زبان‌های فارسی، روسی و انگلیسی به بررسی تأثیر و نقش عوامل خارجی در شکل‌گیری مشروطه‌خواهی بپردازد. این تحقیق درصدد پاسخ به این سؤال است که نقش عوامل خارجی در مشروطه‌خواهی افغانستان چگونه بوده و چه پیامدهایی به بار آورده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معلمان مسلمان هندی، ترکان جوان عثمانی، مشروطیت ایرانی و نقش قدرت‌های استعماری به خصوص انگلیس و روسیه مهمترین عوامل خارجی موثر در مشروطه‌خواهی افغانستان بودند.

کلیدواژه‌ها: امیر حبیب‌الله‌خان، لیسه حبیبیه، مشروطه افغانستان.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. sharifadeeb@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). ab.sarafrazi@um.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان، ایران. mehdisalah2011@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۵/۱۷

The role of foreign factors in constitutionalism (Mashrūtiyyat) in Afghanistan

Mohammad Sharif Adeeb Abrahmi¹

Abbas Sarafrazi²

Mahdi Salah³

Abstract

The movement of constitutionalism (Mashrūtiyyat) is a turning point in the contemporary history of Afghanistan. This movement has experienced various difficulties and has faced failure in every period. Amir Habibullah Khan created the ground for the political activities of intellectuals and constitutionalists by establishing "Habibia High School". Habibia High School, as one of the critical and significant centers of reformism, libertarianism, independentism, and constitutionalism, became a platform for political activities where local and foreign teachers were teaching. The constitutionalism movement was influenced by Sayyid Jamāl al-Dīn's reformist idea and inspired by external factors and global and regional developments that intellectuals, libertarians, and constitutionalists were trying to realize. The constitutionalists were fighting to end the dependence on colonial governments and internal tyranny, reform the political structure, and set up a constitutional monarchy. This article tries to investigate the influence of external factors in the formation of constitutionalism by using historical texts in the Persian, Russian and English languages and finding its cause. This study seeks to answer the question that how was the role of foreign factors in constitutionalism in Afghanistan and what was the result? The research findings indicate that: the role of Indian Muslim teachers, Ottoman Young Turks, Iranian constitutionalism and the role of colonial powers, especially England and Russia, were the most important foreign factors affecting Afghanistan's constitutionalism.

Keywords: Amir Habibullah Khan, Habibia High School, Afghanistan's constitutionalism.

1. PhD candidate of Iranian History after Islam, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. sharifadeeb@gmail.com.

2. Associate Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding author). ab.sarafrazi@um.ac.ir

3. Associate Professor, Department of History, University of Sistan and Baluchestan, Sistan, Iran. mehdisalah2011@yahoo.com

درآمد

تحولات سیاسی و مشروطه‌خواهی افغانستان متأثر از رفتارهای روشنفکران و بازیگران خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بود و موجب ورود اندیشه‌های جدید جهانی به این کشور شد. با تأسیس «لیسه حبیبیه» و انتشار «سراج‌الانخبار» در دوره امیر حبیب‌الله خان (حک. ۱۳۱۸-۱۳۳۷)، اولین گام برای نوسازی کشور برداشته شد. معلمان خارجی در این لیسه مشغول تدریس شدند. بعدها این مرکز به کانون فعالیت‌های سیاسی تبدیل شد. در دوره حبیب‌الله خان زمینه حضور بیشتر خارجی‌ها در دربار و اطراف کابل فراهم شد و هندی‌ها، عثمانی‌ها، بریتانیایی‌ها و روس‌ها به شکل نامحدودتر در دوره حبیب‌الله خان در کابل حضور یافتند.

دوره حبیب‌الله خان، دوره تحولات فکری و آزادی‌خواهی در جهان بود و در تعدادی از کشورها، از حکومت سلطنتی به مشروطه تبدیل شده بود. افغانستان نیز به طور مسقیم و غیرمستقیم، تحت تأثیر این جنبش‌ها و رویدادهای فراگیر قرار گرفت. ورود اندیشه مشروطه‌خواهی به افغانستان، به شکل‌های مختلف مانند رفت‌وآمد خارجی‌ها و بازگشت تبعیدشدگان به کشور، سفرهای امیران و سیاست‌مداران به خارج از کشور در زمان امان‌الله خان (حک. ۱۳۳۷-۱۳۴۷)، اعزام محصل به خارج و مهاجرت برخی از افغان‌ها به کشورهای مختلف فراهم شد.

در این پژوهش تأثیر جنبش‌های مشروطه‌خواهی کشورهای همجوار و نقش قدرت‌های بزرگ مانند انگلیس و روسیه در مشروطه‌خواهی افغانستان بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی درباره نقش عوامل خارجی در مشروطه‌خواهی افغانستان انجام نشده است. با این حال حبیبی (۱۳۴۶ش) در کتاب جنبش مشروطیت در *افغانستان*، به نخستین جنبش فکری انجمن سراج‌الانخبار، اعضای مهم گروه نخستین مشروطه خواهان، مرام‌های جمعیت اول مشروطه‌خواهان، سهم معلمان هندی، عوامل

محركه همجوار، محمود طرزی، نتایج مساعی مشروطیت دوم، رجال مهم در حرکت دوم مشروطیت پرداخته است. هاشمی (۱۳۸۴ش) نیز در نخستین کتاب درباره جنبش مشروطه خواهی در افغانستان (در ربع اول قرن بیستم)، مرحله اول مشروطیت دوم، جنگ جهانی اول و اثرگذاری آن بر افکار روشنفکران، انقلاب اکبر و اثرات آن بر افکار و اندیشه‌های آزادی خواهان و جوانان افغان و نخستین قانون اساسی افغانستان را مورد بررسی قرار داده است. مقاله «تحلیل فرایند دموکراتیک سازی در افغانستان (۱۹۰۷-۲۰۰۸م)» به قلم ساعی و مهدوی (۱۳۹۳ش) با اشاره به زمینه‌های شکل‌گیری جنبش مشروطه‌خواهی افغانستان، به صورت مختصر به عوامل بین المللی و سیاست خارجی امیر حبیب الله خان و امان الله خان در مقابل انگلیس پرداخته است. میرزائی (۱۳۹۳ش) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «اصلاحات امانی (امان الله خان شاه افغانستان ۱۲۹۷-۱۳۰۷ش/ ۱۹۱۹-۱۹۲۹) و عوامل ناکامی آن»، به اصلاحات اجتماعی و عوامل ناکامی آن پرداخته است. با این همه پژوهش حاضر به نقش عوامل خارجی در مشروطه‌خواهی افغانستان می‌پردازد. این مقاله یک پژوهش تاریخی با روش توصیفی است. داده‌ها و اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده، سپس عوامل تأثیرگذار خارجی که در مشروطه‌خواهی نقش داشته‌اند شناسایی و تحلیل و بررسی شده است.

جنبش مشروطیت

ایده مشروطه‌خواهی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در افغانستان ظهور کرد. یکی از پیشگامان جنبش اصلاحی، «سید جمال‌الدین» بود که به دربار امیر «دوست محمدخان» رفت ولی دوست محمدخان (حک. ۱۲۵۹-۱۲۸۰) به افکار و نظریات سید جمال‌الدین توجه نکرد. سید جمال‌الدین بار دیگر و پس از به قدرت رسیدن «امیر شیرعلی خان» (حک. ۱۲۸۵-۱۲۹۵) به دربار او رفت و برنامه اصلاحی خود را که در طومار طولیلی نوشته بود، به شاه تقدیم کرد. شاه به خوشی پذیرفت و بخشی از آن برنامه را اجرایی کرد. سید جمال‌الدین با هدف تمرکز قوا در مقابل اروپا،



به کشورهای اسلامی سفر و شعار اتحاد اسلام (پان اسلامیزم) را ترویج می‌کرد (غبار، ۵۹۳). برنامه اصلاحی سیدجمال‌الدین و امیرشیرعلی‌خان بین سال‌های (حک. ۱۲۷۹-۱۲۹۵/۱۸۶۲-۱۸۷۸) از بالا شروع شد؛ ولی تعرض نظامی دولت انگلیس، طومار اصلاحات را درهم پیچید و تا آغاز قرن بیستم این برنامه متوقف ماند. در کابل جراید خارجی در محافل روشنفکران دست‌به‌دست می‌شد. این گروه کوچک که در ابتدا نماینده بورژوازی ملی تجاری و زمین‌داران لیبرال بود، بعدها برای تحدید قدرت بی‌سرحد شاه، تحصیل استقلال افغانستان و تأسیس قانون اساسی فعالیت کرد. این گروه با توده‌های مردم ارتباط نداشت (غبار، ۷۱۶). رئیس جنبش مشروطه‌خواهی، مولوی محمدسرورخان قندهاری الکوزایی مختلص به «واصف» بود. او قبل از تأسیس مکتب حبیبیه و پیش از آنکه دکتر عبدالغنی به افغانستان بیاید، در زمینه مشروطیت سخنرانی می‌کرد (حبیبی، ۱۳).

بنابر نوشته فرهنگ (۴۵۴)، کانون اصلی حرکت، مکتب حبیبیه بود که در سال ۱۹۰۳ تأسیس شده بود و در سال ۱۹۰۹ ششمین سال عمر خود را طی می‌کرد. متعلمین آن مکتب بیشتر پسران اعیان بودند که به مسائل سیاسی علاقه داشتند؛ اما معلمان مکتب که بعضی مانند دکتر عبدالغنی و برادران و همکارانش هندی و برخی ترک و عده‌ای افغان بودند، جراید هند و ترکیه را از طریق اشتراک و جراید فارسی زبان مثل «اخترستانبول» و «جبل‌المتین کلکته» را از طریق دفتر خصوصی و دارالترجمه شاهی به دست می‌آوردند و به وسیله آن از احوال جهان و کشورهای مجاور و افکار جدید درباره مبارزه با استعمار و استبداد آگاه می‌شدند.

با بازگشت امیرحبیب‌الله خان از هند بریتانیایی در سال ۱۹۰۷، جنبش مشروطه‌خواهی اول آغاز شد. امیرحبیب‌الله خان دریافت که کشورش فرسنگ‌ها از قافله تمدن عقب مانده و به تغییرات و اصلاحات نیاز دارد. جنبش مشروطیت دوم با روی کار آمدن امیر امان‌الله خان (حک. ۱۳۳۷-۱۳۴۷/۱۹۱۹-۱۹۲۹) استقلال افغانستان اعلان و نخستین قانون اساسی افغانستان تدوین شد و اصلاحات در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی صورت گرفت (ساعی و مهدوی، ۱۷).

خانواده مجددی (فرقه نقشبندی) با دو خصوصیت ضد امپریالستی و ضد تجدد گرائی و تحول طلبی، در هنگام نبرد استقلال با انگلیس نقش مثبتی بازی کردند و از اندیشه‌های پان اسلامیتی شاه امان الله طرفداری کردند. با این حال پس از استقلال با اصلاحات شاه امان الله مخالفت کردند و پیروان خود را در ضدیت با اصلاحات و تحولات اجتماعی به قیام و اغتشاش واداشتند (سیستانی، ۲۱۵). اما غیر مجددی‌ها بیشتر نقش علمی و فرهنگی داشتند و در رشد افکار آزادی‌خواهی و تجدد طلبی مؤثر بودند.

عوامل خارجی تأثیرگذار بر جنبش مشروطیت افغانستان

عوامل خارجی تأثیرگذار بر مشروطه‌خواهی افغانستان از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. در بررسی ابعاد مختلف این تأثیرگذاری ابتدا به بررسی نقش کشورهای هم‌جوار و سپس به کشورهای اروپایی توجه شده‌است که در ایجاد تحول سیاسی در افغانستان، تأثیر مسقیم یا غیرمسقیم داشتند. از مهم‌ترین عوامل خارجی می‌توان به نقش معلمان مسلمان هندی، ترکان عثمانی، مشروطیت ایران و تلاش‌های روسیه و انگلیس که به دنبال تغییر و تحول در افغانستان بودند، اشاره کرد.

کشورهایی مانند هند، ترکیه عثمانی و ایران زودتر از افغانستان مشروطیت را تجربه کردند. مسلمانان هندی و تبعیدشدگان که در هند زندگی می‌کردند و با فرهنگ و تمدن اروپایی در هند بریتانیایی آشنا بودند، مشروطه‌خواهی را به سبک هند بریتانیایی می‌خواستند. گروهی که در ترکیه و ایران زندگی می‌کردند، بیشتر تحت تأثیر حرکت‌های مشروطه‌خواهی و آزادی‌خواهی ترکیه عثمانی و ایران قرار داشتند و الگوی مشروطه‌خواهی این کشورها را پذیرفته بودند.

۱- معلمان مسلمان هند

مهاجرت روشنفکران مسلمان از هند بریتانیایی به افغانستان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آغاز شد. تعداد قابل توجهی از مسلمانان هندی به دعوت حاکمان افغانستان یا با داشتن ایده اصلاح طلبی برای آزادی هند به افغانستان رفتند. امیر

حبیب‌الله‌خان بسیاری از مسلمانان هند بریتانیایی را برای آموزش و پرورش و تدریس در لیسه حبیبیه به افغانستان دعوت کرد و برنامه درسی دبیرستان‌های هند بریتانیایی را در لیسه حبیبیه تدریس کرد. در این برنامه درسی برای تدریس علوم طبیعی، ریاضی و جغرافی، افزون‌بر دانشمندان افغانی، وجود معلمان خارجی نیز ضروری بود. افغانستان متخصصی در علوم جدید نداشت؛ از این‌رو لازم بود تا از معلمان مسلمان هندی برای آشنایی نوآموزان با معارف جدید، صنعت و حرفه استفاده کنند (حبیبی، ۶۲). بسیاری از هندی‌ها و افغان‌های تحصیل‌کرده در مدرسه حبیبیه با هم خدمت می‌کردند. تعامل متقابل روشنفکران خارج و داخل کشور، فضا و زمینه رشد اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه را فراهم کرد. بعدها، مدرسه حبیبیه به عرصه روشنفکرانی تبدیل شد که به دنبال بازسازی فرهنگی افغانستان بودند. بسیاری از اعضا به اتفاق آرا از ایجاد حکومت قانون اساسی در افغانستان حمایت کردند. برخی از معلمان حبیبیه به تشویق سیاست آزاد امیر، انجمنی به نام «انجمن سراج‌الانخبار افغانستان» ایجاد و روزنامه «سراج‌الانخبار افغانستان» را راه‌اندازی کردند (Sarfraz Khan, 4-5).

به نوشته نویسنده روس، اوچیلدیف، مهاجران با بازگشت به وطن شروع به تبلیغ افکار آزادی‌خواهی و مشروطه‌خواهی در بین هم‌وطنان خود کردند. بسیاری از رهبران جنبش آزادی‌بخش ملی از کشورهای دیگر نیز در حال نفوذ به افغانستان بودند. حبیب‌الله به برخی از آنها که عمدتاً مسلمان بودند، با نشان‌دادن لیبرالیسم و آزادی‌خواهی، پناهندگی سیاسی داد. هندی‌های مشاغل آزاد نیز که برای خدمت در افغانستان دعوت شده بودند، رهبران گرایش‌های جدید بودند. ایده‌های جدید در میان جوانان مرفعی، افسران و بخشی از زمین‌داران و مقامات استقبال شد. رئیس «لیسه حبیبیه» یک هندی به نام دکتر عبدالغنی بود که در دولت افغانستان خدمت می‌کرد. او همراه با دو برادرش به عنوان رهبر ایدئولوژیک جوانان افغان عمل می‌کرد. به این ترتیب جنبش اصلاحات و استقلال کشور به تدریج گسترش یافت و بیشتر شرکت‌کنندگان آن جنبش در سازمان سیاسی مخفی «مشروطه» متحد شده بودند (Очиљдиев, 46). محقق روس، بویکو نیز می‌نویسد: دکتر عبدالغنی در ابتدا از

اعتماد امیر حبیب‌الله خان برخوردار بود. عبدالغنی دستور ایجاد اولین مؤسسه آموزشی از نوع مدرن یعنی «لیسه حبیبیه» را در افغانستان به دست آورد و چندین سال مدیر آن بود. به ابتکار او بیش از ۵۰ مکتب ابتدایی در افغانستان گشایش یافت؛ موافقت امیر برای گشایش مکاتب تعلیم و تربیت و طب اخذ و قانون تعلیمات اجباری همگانی تدوین شد. اما عبدالغنی به معلم بودن بسنده نکرد. او یکی از مشروطه‌خواهان جنبش مشروطه در افغانستان و عضو یک سازمان مخفی مشروطه‌خواهان شد. در اصل، عبدالغنی با وساطت خود امیر حبیب‌الله در سیاست شرکت داشت. او به دستور پادشاه، یکی از اعضای شورای قانون‌گذاری بود که البته به‌زودی منحل شد (Бойко, 79). به گزارش تروشین نویسنده روس، عبدالغنی جنبش جوانان افغان را رهبری می‌کرد. آنها شامل چند نفر از افراد تحصیل‌کرده از اشراف، روشنفکران و بازرگانان بودند که به دنبال تصویب قانون اساسی و اجرای اصلاحات اروپایی بودند. عبدالغنی در ماه مارس ۱۹۰۹م/ماه صفر ۱۳۲۷ به توطئه، متهم و دستگیر شد (Трошин, 142). ریباکوف روسی نیز به نقش برجسته معلمان هندی در مشروطه‌خواهی افغانستان اشاره کرده است (Рыбаков, 2/107).

۲- ترکان جوان عثمانی

بخش از مشروطه‌خواهی در افغانستان به نقش ترکان عثمانی باز می‌گردد. ترکان عثمانی به عنوان پل ارتباطی با تحولات غرب، نقش اساسی در جنبش مشروطه‌خواهی افغانستان داشتند. محمود طرزی پس از برگشت به کابل و برقراری روابط خویشاوندی با شاهزادگان و خانواده سلطنتی، جای پای محکمی در دربار پیدا کرد. او سپس به کمک دامادش، عنایت‌الله خان که سرپرست برنامه‌های مذهبی کشور بود، در سال ۱۳۲۹/۱۹۱۱ اجازه نشر یا تجدید نشر جریده هفتگی «سراج‌الانبار» را به دست آورد و آن نشریه را تا ۱۳۳۶/۱۹۱۸ منتشر کرد. در شماره اول، علی احمد ایشک آقاسی ملکی به سمت نگران (ناظم) و محمود طرزی به سمت مدیر و سرمحرر آن معرفی شدند. در این میان اولین چاپخانه حروفی به نام مطبعه عنایت هم در کابل تأسیس شد. انتشار



«سراج الاخبار» در بیداری شعور سیاسی در بین جوانان افغانستان تأثیر بسیاری داشت. مضمون اصلی جریده را به پیروی از سیاست ترکان جوان به‌ویژه حزب اتحاد و ترقی که محمود طرزی از هواخواهان آن بود، ناسیونالیسم آمیخته با پان اسلامیزم و مجادله با استعمار تشکیل می‌داد (فرهنگ، ۴۵۳). محمود طرزی محرک سیاسی و خطیب نبود. هدفش افغانستان و بیشتر طرف‌دار استواری فرهنگ و صنعت غرب بود. او افزون‌بر ایدئولوژی اسلامی، بیشتر به ملیت‌خواهی و اندیشه ناسیونالیستی شهرت داشت. به‌علاوه، محمود طرزی برعکس سیدجمال‌الدین، در داخل افغانستان از پشتیبانی و خویشاوندی با حکومت برخوردار بود. اندیشه پان اسلامیزم سید جمال‌الدین از طریق هند و اندیشه ناسیونالیسم غربی را که ترک‌ها از اروپا اخذ کرده بودند، توسط محمود طرزی وارد افغانستان شد (هاشمی، ۴/۲). ریباکوف نویسنده روسی در کتاب تاریخ شرق در دوره معاصر نوشته است، سازمان کوچک و مخفی مشروطه‌خواهی در افغانستان تحت تأثیر مستقیم وقایع در کشورهای هند، ترکیه عثمانی و روسیه به‌وجود آمد. این سازمان شامل معلمان هندی لیسه حبیبیه، نمایندگان روشنفکر، بازرگانان، زمین‌داران لیبرال و بخشی از افسران بود. آنها از دستیابی به استقلال کامل کشور، محدود کردن قدرت امیر، تصویب قانون اساسی، توسعه فرهنگ و علم، گسترش نظام آموزشی، تأمین عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق مردم دفاع می‌کردند. اعضای سازمان مشروطه‌خواهی با توده مردم ارتباط نداشتند و انتظار داشتند با کودتا به اهداف خود برسند. سازمان مشروطه در سال ۱۳۲۷/۱۹۰۹ آشکار شد. اعضای آن سرکوب و چندین نفر اعدام شدند. ظهور جنبشی که در ادبیات تاریخی به جنبش جوانان افغان معروف است، با فعالیت مشروطه‌خواهی همراه بود، Рыбаков (2/107).

تأثیر ترک‌های جوان بر محمود طرزی و حزب مشروطه از دیرباز در ادبیات مربوط به ناسیونالیسم افغانی شایع است. بررسی سراج الاخباری افغانیه، نکات مهمی درباره فعالیت‌های کارشناسان عثمانی و مقالاتی که آنها برای این روزنامه نوشته‌اند، ارائه می‌کند. روزنامه در مورد وضعیت امپراتوری عثمانی و تصویری خاطره‌انگیز از آن

مطالب بسیاری منتشر می‌کرد. همچنین بسیاری از مقالات آن کپی از روزنامه‌های چاپ شده در استانبول، دمشق، بیروت و بغداد عثمانی بود یا به کمک مهاجران عثمانی نوشته می‌شد (Michael, 1870). امان الله خان در کارهای اداری، ترکیه را سرمشق خود قرار داد. او حجاب را آزاد کرد و دویست نفر از دخترهای افغانستان را برای تحصیل به ترکیه اعزام کرد. او در مهمانی‌های شبانه، خانم‌ها را دعوت می‌کرد و مجالس شب نشینی را به شیوه اروپاییان برگزار می‌کرد. امان الله خان، در زمان برگزاری جشن استقلال، وکلای ملت را برای تشکیل مجلس (لوی جرگه) به پغمان دعوت کرد و تمام آنها مجبور شدند تا لباسی را که حکومت برای آنها تهیه کرده بود، بپوشند (فرخ، ۴۸۰-۴۸۱). امان الله خان پس از مسافرت به اروپا و کشورهای منطقه با علوم و پیشرفت‌های نوین بشری آشنا شد و پس از بازگشت به کشور تلاش کرد تا آن علوم و فنون را در افغانستان اجرا کند. او در آن سفرها از نزدیک اقدامات مصطفی کمال آتاترک و رضاشاه را در ترکیه و ایران دید و به نحو چشم‌گیری تحت تأثیر آن اقدامات قرار گرفت. وی در ترکیه از راهنمایی‌های آتاترک در امر نوسازی جامعه و انجام اصلاحات در افغانستان بهره گرفت (میرزائی، ۶۸).

۳- مشروطیت ایران

پس از امضای مشروطیت توسط مظفرالدین شاه و انعکاس جنبش مشروطیت ایران در سراج الاخبار، آروزی استقلال و آزادی‌خواهی، افغانستانی‌ها را به هیجان آورد (سراج الاخبار، ۱۴). به نقل از نویسنده روسی اوچیلدیف، حکومت حبیب‌الله از رشد جنبش دموکراتیک در کشور به شدت نگران بود و تمام اقدامات را برای تحت فشار قراردادن آن انجام داد. به دستور او هر گونه تبلیغات ضد انگلیسی و صحبت از حکومت مشروطه با تهدید به مرگ ممنوع شد. امیر برای اینکه مردم را از افکار دموکراتیک منحرف کند، دلیل ناآرامی‌های افغان‌ها را فعالیت شیعیان ایران در سرنگونی محمدعلی شاه قارجار عنوان کرد. از این رو آزار و شکنجه آشکار علیه ایرانیان مقیم افغانستان آغاز شد. حبیب‌الله فرمان‌هایی فرستاد که آنها را از هر گونه گردهمایی، روابط



مخفیانه و مذاکره بین خود ممنوع می‌کرد. با هم‌دستی خیرخواهانه و حتی تحریک آشکار مقامات، روابط اکثریت سنی افغان‌ها و شیعیان ایرانی تشدید و در برخی جاها به قتل ایرانی‌ها منجر شد (Очилъдиев, 48-49). بنا به قول سیمونوف محقق روسی، علاوه بر سوءظن سنتی افغان‌ها نسبت به اقدامات همسایگان، عوامل دیگری نیز در این اتفاقات نقش داشتند. پس از وخامت اوضاع ایران بعد از برکناری محمدعلی شاه و روی کار آمدن مشروطه خواهان در تابستان ۱۳۲۸/۱۹۱۰، دولت کابل از ترس نفوذ افکار لیبرال، محدودیت‌ها را در مرز ایران و افغانستان تشدید کرد. در فرمان امیر به پادگان هرات ابلاغ شد که در بین سپاهیان از قانون اساسی و چرندیات ساخته شده قزلباش‌ها (ایرانیان) صحبت نشود و در صورت کوچک‌ترین نشانه‌ای از تضعیف نظم و انضباط حکومتی در میان افسران و رده‌های پایین‌تر، مجرمان به شدت مجازات شوند (Симонов, 161). نویسنده روسی اوچیلدیف می‌نویسد: با وجود تدابیر خشن دولت امیرحبیب‌الله، اندیشه جنبش مشروطیت ایران، جنبش ترکان جوان و جنبش آزادی‌بخش هند، به تدریج به کشور ممنوعه یعنی افغانستان نفوذ کرد (Очилъдиев, 45).

امان الله خان زمانی که به تخت سلطنت نشست، نخست مملکت اسلامی افغانستان و دولت افغان را مستقل کرد و فرمانبرداران را از اندیشه افکار سیاسی دور کرد. او روابط خود مختاری و استقلالیت را با دولت‌های همجوار به ویژه ایران محکم کرد (مؤدب السلطان اصفهانی، ۲۵). «امان الله خان تجدد طلب در تمامی زمینه‌ها دست به نوآوری زد. معارف و پارلمان را در کشور فعال کرد و ده‌ها نوآوری دیگر به وجود آورد. او در سال ۱۳۴۶/۱۹۲۷ کمی پیش از سقوط از هند، مصر، ایتالیا، فرانسه، آلمان، پولند، انگلستان، روسیه، ترکیه و ایران دیدن کرد. همسرش ملکه ثریا او را در این سفرها همراهی می‌کرد. جالب اینکه وضع لباس و بی‌حجابی ملکه ثریا باعث شگفتی دربار ایران شده بود. امان الله خان پس از آن سفر به ایران، دست به اصلاحاتی زد که منجر به قیام مردم علیه حکومت او شد» (دولت آبادی، ۲۴۲). تحولات منطقه‌ای و گفتمان مشروطه خواهی ایران بر تحرکات روشنفکری افغانستان تأثیر گذاشت. این عامل در

کنار الگوگیری روشنفکران تحصیل کرده در ترکیه و همچنین حضور معلمان هندی در افغانستان، زیربنای شکل‌گیری جنبش مشروطه‌خواهی در افغانستان را رقم زد (توکل، ۱۷۷-۱۷۸).

ایران و افغانستان نظر به بسیاری از زمینه‌های مشترک چون موقعیت جغرافیایی، تاریخ و فرهنگ مشترک، از تحولات سیاسی یکدیگر متأثر بوده‌اند. در ایران، نخستین بستر تغییر برای مشروطه‌خواهی در دوره قاجار فراهم شد که در پایان به سرنگونی نظام استبدادی و تأسیس جنبش مشروطیت انجامید. اندیشه جنبش مشروطیت ایران در افغانستان نفوذ کرد و مشروطه‌خواهی افغانستان متأثر از انقلاب مشروطیت ایران بود.

۴- تأثیر کشورهای اروپایی بر جنبش مشروطیت افغانستان

در آغاز قرن بیستم اندیشه نوخواهی، آزادی‌خواهی و مشروطه‌خواهی در افغانستان به وجود آمد. در آن زمان نیازهای کشورهای اروپایی به مشرق زمین به ویژه افغانستان زمینه‌ساز پیوند اروپا با افغانستان شد. خواسته‌های زندگی افغان‌ها نیز باعث تلاش‌هایی برای اروپایی شدن کشور افغانستان شده بود. در زمان امیر حبیب‌الله خان، اروپایی‌سازی آداب دربار امیر به این نکته خلاصه شد که در برخی مراسم امیر و بزرگان لباس اروپایی بپوشند. با این حال امان‌الله خان در غرب‌گرایی و گسترش اندیشه مشروطه‌خواهی در افغانستان تلاش فراوان کرد. در ادامه، نقش روسیه و انگلیس در جریان مشروطه‌خواهی افغانستان مورد مطالعه قرار گرفته است.

الف) انقلاب روسیه

افغانستان از نظر راهبردی، سیاسی و نظامی برای روسیه مهم بود. روسیه از طریق افغانستان می‌توانست تهدیدی برای هند بریتانیا باشد. از این‌رو قلمرو افغانستان هدف توسعه نظامی روسیه شد. مقامات روسیه بر این باور بودند که تقویت نقش آنها در افغانستان، بریتانیای کبیر را وادار خواهد کرد که در سایر موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی با خواسته‌های روسیه سازگاری بیشتری داشته باشند. اوچیلدیف می‌نویسد: انقلاب روسیه در سال ۱۹۰۵-۱۹۰۷/۱۳۲۳-۱۳۲۵ گسترش یافت. تحت تأثیر آن جنبش

آزادی‌بخش ملی در کشورهای شرق به فعال‌شدن اندیشه سیاسی در افغانستان کمک کرد (45, Очилъдиев). نویسنده روسی آرونوا در کتاب جمهوری دموکراتیک افغانستان با اشاره به مهم‌ترین رویداد در تحولات سیاسی در آغاز قرن بیستم، جنبش جوانان افغان را تحت تأثیر مستقیم انقلاب روسیه و همچنین جنبش انقلابی ترکیه و ایران می‌داند (29, Арунова). به نوشته ماسون و رومودین پژوهشگران روسی، توسعه افکار جدید که تحت تأثیر انقلاب روسیه و اوج‌گیری مبارزات ملی در کشورهای شرق گسترش یافت، افغانستان را نیز تحت تأثیر قرار داد. درست است که طرفداران این ایده‌ها در یک کشور بسته و توسعه نیافته زیاد نبودند، اما در تاریخ آن اثر محسوسی بر جای گذاشتند و با وجود سرکوب حبیب‌الله خان فعالیت‌های‌شان ادامه یافته است. آنها از اروپایی‌سازی کشور افغانستان حمایت می‌کردند و خواستار برقراری سلطنت مشروطه بودند. منافع آنها توسط جوانان افغان که به شاهزاده امان‌الله خان، سومین پسر امیر حبیب‌الله امیدوارتر بودند، حمایت می‌شد. رئیس ایدئولوژیک جوانان افغان محمود بیک طرزی بود که شاهزاده امان‌الله تحت تأثیر او بزرگ شد و با دخترش ثریا ازدواج کرد (347, Массон and Ромодин).

بنا به گفته آکسیونچیک پژوهشگر روسی در آغاز قرن بیستم، فرآیندهای اجتماعی-اقتصادی مهمی در افغانستان اتفاق افتاد که به مشارکت آن در اقتصاد جهانی کمک کرد. بر اساس این تغییرات و تحت تأثیر مستقیم انقلاب روسیه، جنبشی از جوانان افغان به وجود آمد که از وضع قانون اساسی، اصلاحات داخلی، محدود کردن قدرت امیر و دستیابی به استقلال سیاسی حمایت می‌کردند. در این دوره به رسمیت شناختن استقلال افغانستان توسط سایر کشورها آغاز و روابط دیپلماتیک با کشورهای جهان برقرار شده بود. پایان جنگ با بریتانیای کبیر، اعاده استقلال، رهایی از تسلط بریتانیا بر سیاست خارجی، به دولت «جوانان افغان»، امیر امان‌الله اجازه داد تا اصلاحات را آغاز کند. در سال ۱۳۴۱/۱۹۲۳، اولین قانون اساسی افغانستان تصویب شد. این قانون، استقلال و حاکمیت کشور را تأیید و امیر را حامی قدرت عالی اعلام کرد. قانون اساسی برای اولین بار تعدادی از آزادی‌ها مانند برابری رعایا در برابر قانون را اعلام و برخی از

نهادهای اجتماعی مانند وظایف فئودالی و نابرابری مذهبی را لغو کرد. نهادهای اداری دولت، مدرن و برای تقویت حکومت مرکزی برخی از امتیازات سیاسی و اقتصادی خان‌ها و سران قبایل محدود شد (Аксёнич, 26-28).

در مجموع می‌توان ادعا کرد که تماس برخی از کمونیست‌های هندی کابل و تاشکند و مسکو با برخی از روشنفکران و مشروطه‌خواهان در افکار و عقاید مشروطه‌خواهان افغانی متمایل به چپ، اثرگذاری‌های خود را نمایان ساخته بود و نطفه افکار چپی، به صورت پراکنده به داخل افغانستان نفوذ کرده بود. اسناد موجود در این رابطه، بر این ادعا صحت می‌گذارد (هاشمی، ۲۰۸/۲). توپورکوف محقق روسی می‌نویسد که برای افغانستان، حمایت از استقلال اعلام شده و دفاع از آن در مبارزه با بریتانیایی‌ها حیاتی بود. روسیه شوروی نیز به نوبه خود نیازمند به رسمیت شناختن در عرصه بین‌المللی بود. سران کشورها با رد و بدل کردن پیام‌هایی، آمادگی خود را برای ایجاد روابط نزدیک‌تر اعلام کردند. در آن زمان یکی از اهداف مهم برقراری ارتباط با افغانستان، استفاده از تضادهای افغان‌ها و انگلیسی‌ها به نفع اجرای ایده انقلاب جهانی در کشورهای آسیایی و در درجه اول در هند بریتانیایی بود. این را مکاتبات محرمانه آن زمان نمایندگان شوروی در کابل با تاشکند و مسکو نشان می‌دهد (Топорков, 27). هدف روسیه، رسیدن به هند و آب‌های گرم بود که وابستگی سیاسی افغانستان به هند بریتانیایی مانع تحقق آن قلمداد می‌شد. روسیه در فضای تشدید تضادهای متقابل، از طریق برقراری روابط با مشروطه‌خواهان و جوانان آزادی‌خواه در افغانستان، از آن به عنوان ابزار فشار بر هند بریتانیایی استفاده کرد. مشروطه‌خواهان که بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی مبارزه می‌کردند، متأثر از تحولات منطقه به خصوص انقلاب روسیه بودند.

ب) مخالفت‌های انگلیس

با اینکه در سطح جهان از جمله در ایران انگلیسی‌ها خود را پشتیبان و هواخواه مشروطه نشان می‌دادند. در افغانستان به خاطر منافع خود و حفاظت از مرزهای

هندوستان، از امیر حبیب الله خان حمایت می‌کردند. انگلیسی‌ها زیرکانه به اشکال مختلف تلاش می‌کردند به امیر حبیب‌الله‌خان بگویند که مدرسه حبیبیه و جریان سراج‌الانخبار، حلقه خطرناک براندازی سلطنت است. آنها مشروطه‌خواهی و جریان روشنفکری را ضد دین نشان می‌دادند و همچنین به امیر گوشزد می‌کردند که رشد معارف، نظام پادشاهی را با مشکل مواجه می‌سازد.

افغانستان مهره انگلیس در منطقه بود. در کتاب پیشرفت و موضع فعلی روسیه در شرق نوشته جان مکنیل، نگرانی عمومی انگلیسی‌ها از پیشروی روس‌ها در راه رسیدن به هندوستان منعکس شده است (مستوری‌کاشانی، ۲۷). نماینده انگلیس معتقد بود که دوست حقیقی آنها، امیرصاحب حبیب‌الله‌خان به مثابه دیوار آهنین در برابر سازش‌های دشمنان قرار دارد و نمی‌گذارد که فعالیت‌های آلمان در کشور تأثیرگذارد. با این همه انگلیسی‌ها در صورت حرکات خصمانه در سرحدات هند با پیسه (پول) و سپاه و سازمان جنگ به امیرصاحب کمک می‌کردند (غبار، ۴۷۵). بنابه نوشته اوچیلدیف، در میان نخبگان حاکم کشور یک گروه سیاسی قوی با گرایش انگلیسی وجود داشت که نمایندگان آنها پست‌های کلیدی را در دستگاه دولتی اشغال کرده بودند. آنها کالاهای بسیاری را با هند تجارت می‌کردند و محافل درباری علاقه‌مند به دریافت یارانه انگلیس، با آنها همکاری می‌کردند. رهبر این گروه احمدعلی خان پسرعموی امیر بود (Очилъдиев, 44).

انتشار سراج‌الانخبار در افغانستان با مخالفت انگلیسی‌ها روبه‌رو بود. بنا به گفته حبیبی (۱۲)، انتشار سراج‌الانخبار نیز با موانعی که استعمار انگلیس ایجاد کرده بود، بعد از مدت کوتاهی متوقف شد. وایسرای هند (نماینده انگلیس) به امیر حبیب‌الله‌خان چنین نوشته بود: اطلاع یافتیم که روزنامه‌ای به نام سراج‌الانخبار که در کابل منتشر می‌شود، به پیمان‌های زیادی حاوی مطالب نادرست و تخریب‌کننده در رابطه با جنگ جاری اروپا است. اینجانب کوچک‌ترین تمایلی برای مداخله در هیچ امری از امور داخلی افغانستان ندارم، ولی به صفت یک دوست به اعلی‌حضرت مشورت می‌دهم و خواهشمندم که تصمیمی اتخاذ شود که یا این روزنامه را توقیف کنند و یا در لحن

موجود آن تغییر بیاورند. (نوید، ۴۷). انگلیسی‌ها مانع ورود «سراج‌الاخبار افغانیه» به داخل هند می‌شدند. همچنین آنها از طریق امیر حبیب‌الله‌خان بر محمود طرزی، فشار وارد می‌کردند؛ چرا که انگلیسی‌ها نشر بعضی مقالات سراج‌الاخبار را مخالف منافع خود می‌دانستند. امیر هند در دسامبر ۱۹۱۴ عدم نشر چنین مقالاتی را از امیر حبیب‌الله‌خان تقاضا کرد و او نیز وعده همکاری داده بود (هاشمی، ۱۱/۲).

انگلیسی‌ها در تمام معاهدات قبلی با حکام افغانی کوشیدند تا افغانستان را از هر دو سمت، یکپارچه ساخته و مناطق بیشتری از پیکر آن را، خلاف اراده مردم، جدا سازند (حکیمی، ۴۲). دولت بریتانیا در کنار مستعمره پهناورش، هندوستان، با سیاست یکطرفه و تمایل حکومت افغانستان به دولت شوروی خوش‌بین نبود و احساسات مردم را علیه حکومت افغانستان تحریک می‌کرد (خلیلی، ۱۰۰).

افشاریزدی (۱۱۵/۲-۱۱۶) به نقل از روزنامه «تورکیش پست» آلمانی زبان که در استانبول منتشر می‌شد با عنوان «علل انقلاب افغان» می‌نویسد: «هرگز حبیب‌الله بچه سقا، موفق به پیشرفت‌های اخیر خود نمی‌گردید اگر انگلیس با پول و اسلحه و اعزام مأموران لایق، وسایل کار او را فراهم نمی‌ساخت. کلنل لورنس معروف انگلیسی که در موقع جنگ بین‌المللی خدمات شایانی در عربستان به دولت انگلیس نموده بود، در لباس مبدل به عنوان یک نفر ملای عرب با اسم کرم‌شاه در نواحی شینواری مسافرت کرده و خود را از اعقاب پیغمبر معرفی نمود و طوائف شینواری علیه سلطنت امان‌الله به مذهب اسلام خیانت کردند و رسوم و آداب قدیم مذهب را زیر پا گذاردند. با جعل تصاویر، ملکه ثریا را که در موقع مسافرت اروپا برداشته و بزرگان اروپا دست او را می‌بوسند، چندین هزار نسخه تهیه و بین طوائف توزیع کرده‌اند. تمام این مسائل را دست‌آویز نمودند که پادشاه و ملکه از دین خارج شده و لیاقت سلطنت ندارند. جلب طایفه شینواری برای انگلیسی‌ها خیلی مشکل نبود زیرا که تا کنون شینواری‌ها مبلغی به‌طور سالیانه از آنها دریافت می‌داشتند که باعث زحمت انگلیسی‌ها در تنگه خیبر نشوند».

زمانی که امان‌الله‌خان به قدرت رسید، او یکی از هواداران مؤثر و برجسته

مشروطه‌خواهی و ضد انگلیس بود که استقلال افغانستان را اعلان کرد و اصلاحات اجتماعی را به وجود آورد. این بار انگلیسی‌ها با توطئه از طریق روحانیون سستی، مردم را به قیام و شورش تحریک کردند. تا از این طریق بتوانند جلوی آزادی‌خواهی، مشروطه‌خواهی و استقلال‌طلبی را بگیرند.

نتیجہ

جنبش مشروطه‌خواهی، نخستین تحول بنیادین در تاریخ معاصر افغانستان است. این مشروطه‌خواهی متأثر از ایده اصلاحی سیدجمال‌الدین و عوامل خارجی بود. تأثیر عوامل خارجی بر جریان مشروطه‌خواهی روندی متفاوت را طی کرد. عوامل خارجی در ظهور، گسترش و موفقیت مشروطه‌خواهی افغانستان تأثیر بسزایی داشتند. به نظر می‌رسد که یک بُعد آن مربوط به بروز جنبش‌های مشروطه‌خواهی در کشورهای همجوار و غیروپایی بود که به دلیل ارتباط نزدیک، در مشروطه‌خواهی افغانستان تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم داشتند. بُعد دیگر آن مربوط به تماس و آشنایی با دنیای خارج به خصوص غرب و اروپا بود که افغانستان به صورت غیرمستقیم از آن الهام می‌گرفت. زمینه‌های ورود تفکر مشروطه‌خواهی در افغانستان، به اشکال مختلف نظیر رفت‌وآمد خارجی‌ها، استخدام معلمان خارجی در لیسه حبیبیه، دعوت از کارشناسان خارجی، اعزام دانشجویان به خارج، مسافرت امیران به خارج، دعوت از تبعیدشدگان و بازگشت روشنفکران و مهاجران به افغانستان فراهم شد. مهاجران از طریق اخبار جراید و کتاب‌های ترجمه شده از غرب با اندیشه‌های آزادی‌خواهی و تحولات اروپا آشنا شده بودند. آنها با بازگشت به وطن شروع به تبلیغ افکار جدید مشروطه‌خواهی در بین هم‌وطنان خود کردند. جریان روشنفکری و مشروطه‌خواهی در افغانستان عمدتاً متأثر از پیشرفت‌های دنیای غرب بود. معلمان هندی و ترکان عثمانی به عنوان کانالی برای ارتباط و پیوند فکری افغانستان با تحولات غرب، در جنبش مشروطه‌خواهی افغانستان نقش مثبتی داشت. بنابراین مشروطه‌خواهی فصلی نوین در تاریخ معاصر افغانستان است که با ظهور جنبش مشروطیت اول و دوم، تحولات بزرگی در حکومت و ساختار

سیاسی افغانستان ایجاد کرد. این جنبش به طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر عوامل خارجی، بین‌المللی و منطقه‌ای قرار داشت.

منابع

- افشاریزدی، محمود، افغان نامه، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۶۰ ش.
- توکل، محمد و سید محمدنقی موسوی، روشنفکری در افغانستان؛ نگاهی جامعه‌شناختی، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۹۶ ش.
- حبیبی، عبدالحی، جنبش مشروطیت در افغانستان، کابل، ریاست نشرات کمیته دولتی، ۱۳۶۳ ش.
- حکیمی، احمدمنیب، جریانات تاریخی افغانستان (از ظهور اسلام الی سقوط طالبان)، کابل، الازهر، ۱۳۹۰ ش.
- خلیلی، خلیل الله، عیاری از خراسان، پشاور، ناشرکتابفروشی خاور، ۱۳۶۹ ش.
- دولت آبادی، بصیراحمد، شناسنامه افغانستان، قم، چاپخانه و لیتوگرافی شهید، ۱۳۷۱ ش.
- ساعی، علی و جعفر مهدوی، «تحلیل فرایند دموکراتیک سازی در افغانستان (۱۹۰۷-۲۰۰۸ م)»، جامعه شناسی تاریخی، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۳۹۳ ش، ص ۱-۴۳.
- سراج الاخبار، کابل، سال ششم ۱۲۹۵ ش، شماره ۱.
- سیستانی، محمداعظم، علامه محمود طرزی، شاه امان‌الله و روحانیت متنفذ، پشاور، د افغانستان د کلتوری و دی تولنه-جرمنی، ۱۳۸۳ ش.
- غبار، میرغلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل، انتشارات جمهوری، ۱۳۶۶ ش.
- فرخ، سیدمهدی، تاریخ سیاسی افغانستان، قم، انتشارات احسانی، ۱۳۷۱ ش.
- فرهنگ، میرمحمدصدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، مشهد، درخشش، ۱۳۷۱ ش.
- مستوری کاشانی، ناصر، افغانستان و دیپلماسی دو چهره، تهران، نشر ایران‌شهر، ۱۳۷۱ ش.
- مؤدب السلطان اصفهانی، میرزاعبدالمحمدخان، امان التواریخ، کابل، ریاست انتشارات کتب بیهقی، ۱۳۹۲ ش.
- میرزائی، محمد ناصر، «اصلاحات امانی (امان الله خان شاه افغانستان ۱۳۰۷-۱۲۹۷ ش)»، ۱۹۱۹-۱۹۲۹ م) و عوامل ناکامی آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: یوسف خان محمدی، دانشگاه مفید قم، رشته علوم سیاسی، ۱۳۹۳ ش.
- نوید، سنزل، افغانستان در عهد امانیه واکنش‌های مذهبی و تحولات اجتماعی زمان سلطنت امان‌الله خان ۱۹۱۹-۱۹۲۹، ترجمه محمدنعیم مجددی، هرات، احراری، ۱۳۸۸ ش.
- هاشمی، سعدالدین، نخستین کتاب درباره جنبش مشروطه‌خواهی در افغانستان (ربع اول قرن بیستم)، مشهد، نشر سنبله، ۱۳۸۴ ش.
- Арунова М.Р., *Демократическая Республика Афганистана*,

Справочник, Москва:издотельсва Наука, 1981.

- Аксёнич Л. В., *Книга о странах происхождения беженцев*, Тирас, Международное общественное объединение по научно-исследовательским и информационно образовательным программам «Развитие» 2018.
- Бойко В. С., *Мировая Афганистика между наукой и политикой: проблемы истории и модернизации в XX — начале XXI вв.* Барнаул: «Алтайский государственный педагогический университет, 2016.
- Массон, В. М. and Ромодин В. А., *История Афганистана В двух томах Афганистан в новое время*, Москва: академия наук СССР, Институт народов азии, 1965.
- Очильдиев Д. Я. ,из истории борьбы за национальную независимость и внутренние реформы в Афганистане в начале хх века, тошкент: узбекистон сср фанлар академияси нашриёти, 1963.
- Рыбаков, Р.Б., *История Восток в новое время (конец XVIII — начало XX в.)* Книга 2. Москва: Издательская фирма «Восточная литература», 2005.
- Симонов К. В., «Афганистан во внешней политике россии (1907-1914 гг.)», Воронежский государственный институт физической культуры, No 6 (32) 2013.
- Топорков, В.М. *Афганистан: советский фактор в истоках кризиса* ,Чебоксары: цнс «Интерактив плюс», 2016.
- Трошин.Ю., *История стран Азии и Африки в новейшее время*, Москва: Издательство «Весь Мир», 2004.
- Michael B. O, Sullivan, «The Little Brother of the Ottoman State’: Ottoman technocrats in Kabul and Afghanistan’s development in the Ottoman imagination», 1908–23, *Modern Asian Studies* 50, 6 (2016), Cambridge University Press, 2016.
doi:10.1017/S0026749X15000244
- Sarfraz Khan, Noor Ul Amin, «prelude to higher education in Afghanistan: the role of indian muslims» (1901-33) volume 77, issue no 2, central asia, 2015.